

---

---

## چکیده:

یکی از مشکلات کنونی جامعه‌ی ما، پدیده‌ی خطرناک رانت است که در کم‌ترین خسارت خود باعث حذف شایستگان و جایگزینی صاحب نفوذان مختلف می‌شود. رانت‌خواری آثار مخرب اقتصادی و تبعیض‌های ناروا در پی دارد و موجب اتلاف وقت و بدبینی می‌شود؛ بین مردم فاصله می‌اندازد و مشکلات و تنش‌های سیاسی را تشدید می‌کند و در حداقل تأثیر خود موجب از میان برداشتن شرایط مساوی و عادلانه‌ی همه‌ی افراد در عرصه‌های اجتماعی می‌شود؛ به عبارت دیگر با انحصاری که ایجاد می‌کند، بخشی از افراد جامعه را از امکان حضور در اجتماع و فعالیت بازمی‌دارد. در این تحقیق به بررسی ابعاد گوناگون رانت و آثار مترتب بر آن از دیدگاه اسلام اشاره می‌گردد.

**کلیدواژگان:** رانت، عدالت اجتماعی، تحصیل مزایا، فساد

## مقدمه

در رانت همه‌ی افراد جامعه به یک اندازه شانس برخوردارگی و بهره‌مندی از مزایا را ندارند؛ از این لحاظ رانت مانع بهره‌مندی افراد از آن موقعیت‌ها می‌شود و در نتیجه افراد محروم، از منافع احتمالی محروم شده‌اند. از سوی دیگر در رانت دولتی بر حیثیت و اعتبار دولت نزد عموم مردم تأثیر منفی گذاشته و مضرات معنوی را برای حاکمیت در پی خواهد داشت. اساساً یکی از عوامل رکود اقتصادی حاکم بر جامعه وجود این رانت‌ها است که انگیزه‌ی کارآفرینی، تولید واقعی و ارج گذاشتن به

خلاقیت در جامعه را از بین می‌برد و حتی افراد با استعداد نیز برای این که از این قافله عقب نمانند، استعدادهایشان را به جای کمک به تولید در جهت رانت قرار می‌دهند؛ در نتیجه با گذشت زمان، رانت به نوعی فرهنگ تبدیل می‌شود. با بررسی‌ها و مطالعات انجام یافته در خصوص موضوع، این واقعیت مکشوف گردید که در عرصه‌ی حقوق کیفری به اقتضای بحث و ضرورت طرح آن، تاکنون آثار مدونی نگاشته نشده است؛ بنابراین ما را بر آن داشت که نسبت به انتخاب و اختیار موضوع اقدام نماییم.

### هدف اساسی تحقیق

انجام تحقیق با هدف چالش‌زدایی نظری و قانونی و ارائه‌ی راهکارها و رهیافت‌های مؤثر حقوقی و تبیین و تحلیل صحیح مفهوم رانت‌خواری و عمق‌بخشی به ادبیات حقوقی کشور در زمینه‌ی مورد بحث بوده است.

### روش تحقیق

روش انجام تحقیق با توجه به ماهیت موضوع، اهداف، شیوه‌ی گردآوری اطلاعات و اساساً ساختار و سازمان تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد.

### چارچوب نظری

#### مفهوم لغوی رانت

ریشه‌ی لغت رانت‌خواری، واژه Rent است که بدون تغییر لفظی از ادبیات فرانسه وارد انگلستان و از آن جا به فرهنگ کشورمان راه یافته است. در انگلستان این لغت مترادف اجاره بها است؛ بدین معنی که صاحبان املاک مسکونی، تجاری یا کشاورزی به دلیل حق حاکمیت، آن واحد اقتصادی را اجاره می‌دهند و به ازای آن مبلغی دریافت می‌کنند. هم‌چنین به حق‌السهم اربابان فئودال از کشاورزان، رانت اطلاق می‌شده است.

در فرهنگ فارسی معین، رانت چنین تعریف شده: «درآمدی که از فرصت‌ها و موقعیت‌های برتر به دست آمده باشد؛ ثروت حاصل از کار غیرتولیدی و باد آورده.»

#### مفهوم اقتصادی رانت

---

مفهوم رانت به اقتصاددانان کلاسیک، به ویژه آدام اسمیت و دیوید ریکاردو، برمی‌گردد. از نظر اسمیت رانت نوعی درآمد است که بدون نیاز به صرف تلاش یا فعالیت مواد و ارزش‌افزار نصیب فرد یا گروه خاصی می‌شود. ریکاردو نیز رانت را مازادی می‌داند که بیش از مقداری می‌باشد که جهت به کارگیری یک عامل تولید لازم است (خضری، ۱۳۸۳، ۴۷). آن چه از نظر ایشان رانت توصیف می‌شود در واقع درآمد منهای هزینه است که سود نامیده می‌شود.

هر گونه درآمد حاصل از امتیازات انحصاری، محدودیت‌ها و مجوزها را در اصطلاح رانت می‌گویند. مصداق بارز این مفهوم از رانت، درآمدهای باد آورده‌ای است که مجوز انحصاری دولتی در عرصه‌ی تولید، توزیع، صادرات و واردات ایجاد کرده است. هر دولتی که قیمت عمده‌ی درآمد خود را از منابع خارجی و به شکل رانت؛ یعنی درآمد بدون تلاش دریافت کند، دولت رانتیز نامیده می‌شد (ابریشمی، ۱۳۸۳، ۱۴). به نظر می‌رسد کلمه‌ای که رانت را در اقتصاد ما تشریح و تفهیم کند ربا است؛ به عبارتی دیگر، ربا معادل کسب پول بدون کار و فعالیت خاصی است که رانت نیز معادل آن است. بر این اساس رانت؛ یعنی کسب درآمد بدون تلاش.

### **مفهوم حقوقی رانت**

بهره‌برداری گروهی خاص از منابع و اموال عمومی تحت عناوین مختلف دولتی و یا عناوین وابسته به مقامات دولتی، نوعی رانت تلقی می‌شود. (یوسفی‌نژاد، ۱۳۱۵، ۱۴۸)

رانت‌خواری عملی است که به ظاهر از طریق قانونی انجام گرفته و عمل‌کننده به آن، عمل خود را سالم و مشروع می‌داند، در حالی که به ثروت‌های کلان و بدون زحمت دست می‌یابد.

گفتنی است، تحصیل یک جانبه و عمدی هر نوع مزایای (مالی یا غیرمالی) از سوی کارگزاران حکومتی با سوء استفاده از موقعیت شغلی خویش بر خلاف قانون یا حقوق دیگران از طریق افشای اطلاعات یا استفاده‌ی شخصی از آن، استخدام اشخاص، واگذاری امتیازات و مانند این‌ها، رانت نامیده می‌شود.

### **انواع رانت**

به طور کلی به لحاظ نحوه‌ی کسب رانت چهار نوع رانت را می‌توان نام برد که عبارتند از: رانت اقتصادی، رانت سیاسی، رانت اطلاعاتی، رانت آموزشی.

### رانت اقتصادی

رانت اقتصادی حالتی است که در آن فعالیت‌های اقتصادی پرمفعت به صورت مجوز صادارت یا واردات کالا یا خدمات و نیز به صورت صدور موافقت‌نامه‌های اصولی به انحصار فرد، گروه یا حزب خاصی در می‌آید. هم‌چنین استفاده از وام‌های کلان بانکی ارزی به صورت یارانه‌ای یا وام‌های کلان ریالی با نرخ سودهای بسیار پایین، نوعی رانت اقتصادی محسوب می‌شوند.

### رانت سیاسی

رانت سیاسی حالتی است که در آن تقسیم موقعیت‌های سیاسی و شغلی نه بر اساس دانش و تجربه، کاردانی و صلاحیت و به طور کلی شایسته‌سالاری بلکه بر اساس وابستگی به یک مقام مسئول یا حزب صورت می‌گیرد. هم‌چنین دستکاری و تغییر قوانین، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها به منظور بهره‌برداری شخصی، نوعی رانت سیاسی است که در نهایت باعث گسترش فساد و غارت بیت‌المال می‌شود.

### رانت اطلاعاتی

رانت اطلاعاتی؛ یعنی دسترسی به اطلاعات دارای ارزش اقتصادی یا سیاسی در زمان خاص و سوء استفاده از آن برای مقاصد شخصی. صاحبان اطلاعات در هر نهاد تأثیرگذار بر امور اقتصادی-اجتماعی، به طور کلی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردند که سایرین از آن محرومند و پیش از آن که این اطلاعات در دسترس عموم قرار گیرد از فرصت‌های اقتصادی سودهای کلان کرده و از حوزه‌هایی که در آینده زبان‌آور خواهد بود، خارج می‌گردند. در واقع وجود این رانت سبب از بین رفتن اصل برابری فرصت‌ها شده و این امر بر بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی می‌افزاید.

### رانت آموزشی

هجوم گسترده برای کسب مدارک دانشگاهی و بدون شرکت در کنکورهای سراسری و به دنبال آن توسعه‌ی برخی دوره‌های دانشگاهی با کیفیت نازل یکی از

---

نشانه‌های رانت آموزشی است که موجب دلسردی جویندگان واقعی علم و هنر و حذف استعدادهای برتر می‌شود. (ازغندی، ۱۳۷۶، ۴۶)

## علل رانت

در سیر اندیشه‌های اقتصادی، بحث عامل رانت به دو دوره‌ی مستقل تفکیک می‌شود:

الف) از ریکاردو تا آلفرد مارشال: در این دوره علت عمده‌ی رانت، کم‌یابی ذاتی عوامل تولید و کشش‌ناپذیری عوامل است. در واقع محدودیت عرضه از سوی عامل تولید، امکانی بالقوه جهت کسب درآمد برای دارنده‌ی قدرت ایجاد محدودیت، ایجاد می‌کند (ایجاد رانت). در واقع هر عاملی که رقابت را به انحصار تبدیل کند باعث پیدایش رانت می‌شود. در حالت رقابت کامل هیچ گونه رانتی وجود ندارد و با فاصله گرفتن از رقابت کامل رانت افزایش می‌یابد.

ب) از دهه‌ی ۱۹۶۰ آغاز می‌شود و کسانی مانند بوکانان و کروگر پیش‌تاز این دوره هستند. در این دوره علت رانت، مداخله‌ی دولت قلمداد می‌شود. به طور کلی مداخله‌ی دولت موانع مصنوعی بر سر راه ورود به بازار جهانی ایجاد می‌کند و با آسیب رساندن به ساز و کار بازار، باعث پیدایش رانت برای برخی از افراد می‌شود.

## زمینه‌های بروز رانت و چگونگی پیدایش رانت‌خواران

برخی معتقدند خلأهای قانونی، ضعف یا ابهام در قوانین، اجرا نشدن برخی قوانین و عدم برخورد جدی دستگاه‌های نظارتی و قضایی با مفسدان، کم‌توجهی به خشکانیدن ریشه‌های فساد و... از عوامل مهم و اساسی در پیدایش رانت به حساب می‌آیند؛ برای مثال: مقررات بازرگانی به افراد خاصی اجازه می‌دهد که با استفاده از رابطه و ملاحظات ویژه از موقعیت انحصاری خود برای انجام معامله بهره‌مند شوند و ثروت‌های باد آورده و بی‌شماری را کسب کنند. یکی از عرصه‌های فسادخیز، مربوط به قراردادهای داخلی و خارجی، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی و عمرانی و مراکز مهم تصمیم‌گیری پولی، مالی و بورس است؛ البته نباید از واگذاری اموال عمومی به شکل انحصاری یا رانتی به افراد خاصی غافل شد. در کنار این عوامل، قانون‌شکنی نیز جایگاه ویژه‌ای در به دست آوردن ثروت‌های ناروا دارد.

رانت‌خواران افرادی حقیقی یا حقوقی هستند که بدون انجام کار مفید و حتی گاهی مضر برای اقتصاد کشور، در ازای پرداخت رشوه یا با پارتی‌بازی به امتیازنامه‌های انحصاری؛ مانند: دریافت مجوز موردی برای سهمیه‌های وارداتی، صدور کالا، توزیع، خرید و فروش موافقت اصولی واحدهای صنعتی تجاری، اختصاصی‌سازی منابع و صنایع دولتی، فروش اطلاعات مالی، تخصیص ارز ارزان قیمت و اعتبارات بانکی و زمین، قاچاق کالا، قانون‌شکنی و هر گونه امتیازات دولتی خارج از برگزاری مناقصه و... دست می‌یابند. این عمل باعث نهادینه شدن فساد مالی، حذف وجدان کاری، گسترش قاچاق کالاهای مشمول رانت، تضعیف تولید ملی، تبعیض ناروا، تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور بر دوش طبقه‌ی ضعیف خواهد شد. در میان رانت‌خواران افراد محدودی هستند که با توسل به ابزارهایی که دیگران بدان دسترسی ندارند؛ مانند: دسترسی به قدرت سیاسی، وابستگی به افراد صاحب نفوذ، دسترسی به مجوزهای خاص و منابع مالی کلان بانک‌ها و در اختیار داشتن برخی اطلاعات، استفاده از تسهیلات بخش دولتی به نفع افراد حقیقی و شرکت‌های خصوصی و...، برای کسب منافع گسترده تلاش می‌کنند و تمام توان خود را برای حفظ و گسترش ثروت‌های آن چنانی به کار می‌بندند. این عمل نوعی اشرافیت اقتصادی ایجاد می‌کند که پیامد آن ناهم‌گونی اقتصادی و بیکاری در سطح وسیع بوده و موجب از بین رفتن عدالت در عرصه‌ی تولید و انباشت سرمایه در دست گروهی خاصی خواهد شد.

### **مبانی جرم‌انگاری رانت**

تلقی عمل نامشروع عامل مهمی برای مقابله با جرم‌انگاری به شمار می‌رود و جرم‌انگاری رانت نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ از این رو به مبانی جرم‌انگاری آن می‌پردازیم.

### **مبانی شرعی**

در شرع مقدس اصول کلی در خصوص جرم‌انگاری وجود دارد. از برخی از این اصول در خصوص جرم‌انگاری رانت می‌توان استفاده کرد.

الف) قاعده‌ی لاضرر

---

اصل ضرر توسط علمایی؛ چون: جان استوارت میل، هارت و پارکر مورد حمایت قرار گرفته است. مفهوم قاعده‌ی لاضرر مبین منع مردم از ورود ضرر و خسارات به یکدیگر است. (آقایی، ۱۳۸۰، ۱۴)

رانت در حداقل تأثیر خود موجب از میان برداشتن شرایط مساوی و عادلانه‌ی همه‌ی افراد در عرصه‌های اجتماعی می‌شود؛ به عبارت دیگر با انحصاری که ایجاد می‌کند بخشی از افراد جامعه را از امکان حضور در اجتماع و فعالیت باز می‌دارد. از این لحاظ رانت مانع بهره‌مندی همه‌ی افراد از آن موقعیت‌ها می‌شود و در نتیجه افراد محروم، از منافع احتمالی محروم شده‌اند.

با توجه به آیات قرآنی، احادیث، روایات و سیره‌ی پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و فتاوی بزرگان فقها، می‌توان به مواردی مانند: اعمالی که موجب آزار مردم، اخلاق در نظام، فساد امور، اخلاق در امنیت عمومی و اعتماد به یکدیگر و به طور کلی اعمالی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت حاکم است، به جواز تعزیر دست یافت و در مواردی که جواز تعزیر مسلم و مقطوع به نیت و مشکوک می‌باشد، اصل متقاضی عدم جواز است.

ب) مبارزه با بی‌عدالتی

عدالت در لغت به معنی مساوات، ضد جور و عدم افراط و تفریط می‌باشد و در اصطلاح عبارت است از: رعایت استحقاق و شایستگی‌ها. از دیدگاه علامه طباطبایی عدالت؛ یعنی «دادن هر صاحب حق و رساندن حقوق‌شان به آن و گذاشتن هر چیز در جای خودش.» (طباطبایی، ۱۹۹۱، ۳۷۱)

اسلام دینی است که بنیان آن بر اساس تعادل شکل گرفته، به همین جهت انسان‌ها را از افراط و تفریط در همه‌ی شئون زندگی بر حذر می‌دارد، تا در آن چه که مربوط به امور فردی انسان است و همین طور در حوزه‌ی جامعه که اساس نظام اجتماعی را در رعایت حقوق و عدالت می‌داند، تعادل برقرار گردد؛ زیرا نظامی که مبتنی بر عدالت باشد پایدار خواهد ماند.

در قرآن کریم، بیش از ۱۰ بار در باب عدالت‌ورزی سفارش شده است؛ اما این به عدالت رفتار کردن از نظر قرآن جنبه‌های متعددی دارد: عدالت میان خود و مردم، عدالت میان خود و خدا.

عدالت شامل دو بعد بسیار مهم است: عدالت سیاسی و عدالت اقتصادی. در ادبیات ما وقتی صحبت از عدالت اجتماعی می‌شود، عموماً سراغ مقابله با فقر یا سراغ عدالت اقتصادی می‌روند؛ در حالی که عدالت سیاسی مقدم بر عدالت اقتصادی است. اگر عدالت سیاسی نباشد، عدالت اقتصادی به وجود نمی‌آید و اگر ایجاد شود خود به خود از بین خواهد رفت.

#### ج) عدالت در قانون اساسی

قانون اساسی در زمینه‌ی عدالت اصول مختلفی دارد و زمینه‌سازی آن را از وظایف دولت اسلامی دانسته است.

این قانون در بندهای چهارم، ششم، نهم و دوازدهم اصل دوم، جمهوری اسلامی ایران را نظامی بر پایه‌ی ایمان به عدل خدا در خلقت و تشریح و... معرفی می‌کند.

اصل سوم دولت را موظف به پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه نموده است. در اصل ۴۳ بر طبق ضوابط اسلامی، به تأمین نیازهای اساسی برای همه پرداخته و در اصل ۴۸ عدم تبعیض را مورد تأکید قرار داده و در اصل ۱۰۱ یکی از اهداف تشکیل شورای عالی استان‌ها را جلوگیری از تبعیض می‌داند. هم چنین در اصل ۱۰۴ تأمین قسط اسلامی را مورد تأکید قرار داده است. در اصل ۱۵۴ حکومت حق و عدل را برشمرده و در اصل ۱۵۷ و ۱۶۲ عبارت مجتهد عادل بودن را قید نموده است. در واقع رانت‌شکنی، اصلی‌ترین گامی است که می‌توانیم به سمت عدالت برداریم.

#### مبانی عرفی

به اعتقاد برخی از حقوق‌دانان خشونت و نیرنگ دو رکن ثابت در مرکز همه‌ی نظام‌های کیفی است. خشونت؛ یعنی سوء استفاده از زور یا معادل اعمال غیرمجاز و نامشروع زور است و نه تنها خشونت جسمانی یا حتی معنوی بلکه خشونت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز وجود دارد. بدین سان سوء استفاده از مقام، خشونت اجتماعی یا فرهنگی می‌باشد. در رانت نیز شخص از مقام و موقعیت شغل خویش به صورت یک طرفه استفاده می‌کند.

در واقع تحصیل مزایا از طریق رانت علاوه بر این که موجب سوء استفاده از اعتماد عمومی و سلب اعتماد مردم به دولت و کارگزاران دولتی می‌شود، بیانگر خودبینی و خودخواهی مرتکب در نفع مالی خویش و بی‌توجهی به ورود ضرر به دولت و ملت



---

می‌باشد؛ بنابراین ایجاد زمینه‌ی سلب اعتماد مردم از دولت و خودخواهی مالی، آن هم از سوی کارگزاران دولتی که نماینده و امین ملت محسوب می‌گردند، از نظر اخلاقی مذموم و ناپسند است.

### مبنای عقلی

تحصیل مزایا از طریق رانت نه تنها از راه‌های مشروع و نهادینه‌ی جامعه به منظور کسب درآمد و ایجاد مالکیت نمی‌باشد، بلکه مرتکب، با سوء نیت و فارغ از ارائه‌ی خدمات، امکانات و یا سرمایه، صرفاً با سوء استفاده از موقعیت و جایگاه شغلی خود و با نقض هنجارهای اجتماعی و قواعد و مقررات حاکم شده و فقط با در نظر گرفتن نفع شخصی و مصلحت مالی خود اقدام به تحصیل مزایا می‌نماید؛ بنابراین این شیوه‌ی تحصیل مزایا، نوعی دارا شدن بی‌حساب توأم با سوء نیت بوده و نقض هنجارهای اجتماعی در بعد تحصیل مالکیت است.

### مستندات رانت و تحصیل ارکان آن

در منابع اسلامی، به موازات تأکید بر اصل تحقق عدالت اجتماعی و نقش آن در حیات سالم و رسیدن انسان به کمال، بر بهره‌گیری صحیح از اموال به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف، تأکید شده است و حرکت‌های ناسالم اقتصادی و اجحاف‌ها و برخوردهای ظالمانه و دغلكارانه، مردود شمرده شده‌اند.

اصل «اکل مال به باطل» برگرفته از آیات قرآن، در ابواب و بخش‌های مختلف فقه، به ویژه در بخش مکاسب و معاملات، مورد استناد و استدلال واقع می‌شود.

با مروری بر آیات و روایات، در می‌یابیم که (باطل) بر اموری؛ مانند: رباخواری، رشوه‌گیری، سوگند به دروغ، ظلم و ستم، قماربازی، خوردن مال یتیم، لهو و لعب، غصب و تصرفات عدوانی، هر شیء پلید، مبادلات و معاملات غیرمشروع و فاسد، درآمدهای نامشروع، صرف اموال در مسیرهای حرام و ناپسند و بالأخره بر هر غیر حقی و هر نوع استفاده‌ی غیرعقلانی از اموال و دارایی‌ها اطلاق شده است. بر این اساس، منظور از باطل، هر چیزی است که ناحق و بی‌هدف و غیرعقلانی باشد.

از نظر اسلام، هر گونه تصرف در اموال و دارایی‌ها باید بر اساس حق و عدالت و بر مبنای صحیح صورت گیرد و هر چه غیر از این باشد، حرام و باطل است. علامه طباطبایی می‌فرماید: آیه عام است و همه‌ی تصرفات ناروا را دربر می‌گیرد. ذکر قمار

و امثال آن در پاره‌ای از روایات، از قبیل بیان مصداق است. فخر رازی نیز، به گستردگی و عمومیت (باطل) تصریح کرده است و همه‌ی اقسام و انواع تصرفات ممنوع و حرام و احتمالاتی را که در معنای باطل داده‌اند، داخل در معنای آن می‌داند.

بر این اساس، تحصیل درآمد از راه‌های غیرمشروع و با استفاده از ابزار و وسایل غیرمجاز، حرام است و لفظ باطل، به عمومیت و اطلاقش به همه را شامل می‌شود. حتی مطابق آن چه برخی گفته‌اند، گستردگی معنای باطل اقتضا می‌کند که نه تنها تحصیل درآمد از راه‌های ناصواب، که صرف و خرج آن هم در مسیرهای حرام و ناپسند نیز باطل است؛ از این رو در جامعه‌ی اسلامی هم دخل و هم خرج، هم تولید و هم توزیع، باید با معیارهای صحیح و مشروع، انجام پذیرد و اموال مردم از تعرض دیگران مصون بماند.

برخی از فقها از جمله آیات الله خوبی و مقداد بن عبدالله سیوری، منظور از باطل را در آیه‌ی شریفه، باطل شرعی، دانسته‌اند. از نظر آنان، هر چه در نظر شرع و به موجب آیات و روایات، به بطلان آن تصریح شده باشد، این قاعده آن را دربر می‌گیرد و غیر آن را شامل نمی‌شود. برخی از فقها، بر این نظر، خدشه وارد کرده‌اند و معتقدند، باطل در آیات شریفه، هر دو قسم را دربر می‌گیرد. نظر عرف در تشخیص این گونه امور اعتبار دارد. فهم باطل نیز، مانند الفاظ دیگر، به عرف مربوط می‌شود. همان گونه که شیخ انصاری در بسیاری از موارد، تشخیص مصداق باطل را بر عرف، مربوط می‌داند. در کتاب بیع، بر لزوم آن به آیه‌ی ۱۸۸ سوره‌ی شریفه‌ی بقره استناد نموده‌اند. فقیهان دیگری، از جمله امام خمینی نیز ملاک در شناخت باطل را فهم عرف دانسته‌اند. اساس این استدلال بر این استوار است که مراد از باطل، باطل عرفی باشد؛ چنان که عنوان‌هایی هم که در موضوع احکام اخذ شده‌اند، به تشخیص عرف بستگی دارند. امام خمینی، علاوه بر این که بر فهم عرف از باطل تأکید می‌کند، اساساً فهم همه‌ی الفاظ و عنوان‌هایی را که در موضوعات احکام اخذ شده‌اند، محول به عرف می‌داند.

استدلال فقهای اخیر این است که در درجه‌ی اول مفاهیم الفاظ، به عرف محول است و در همه‌ی بخش‌ها و ابواب فقه، فقیهان فهم الفاظ و تشخیص آن را به عرف

---

وامی گذارند. اگر بنا باشد فهم و تشخیص آن، فقط از ناحیه‌ی شرع میسر باشد و فهم عرف دخیل نباشد، در هنگام شک، نه تنها به قاعده‌ی (اکل مال به باطل) که به هیچ یک از اطلاقات و عمومات وارد در کتاب و سنت، نمی‌توان استناد کرد؛ زیرا تمسک به عام، در شبهه‌ی مصداقیه می‌شود و جایز نیست. امام خمینی معتقدند: اگر منظور از باطل، باطل شرعی باشد و فهم عرف کنار گذاشته شود، در هنگام شک در بطلان امری، نمی‌توان به آیه استدلال کرد؛ زیرا تمسک به آن، سر از تمسک به عام در شبهه‌ی مصداقیه درمی‌آورد که باطل است.

در درجه‌ی دوم اگر مراد از باطل، باطل شرعی باشد، دامنه‌ی آن محدود و منحصر به چند مورد مشخص می‌شود که در شرع بیان شده است. در نتیجه، بسیاری از موارد باطل را دربر نمی‌گیرد؛ حال آن که، همان طور که بیان شد، باطل به موارد خاص محدود نمی‌گردد و با معنای عام و گسترده‌ای که دارد، همه را شامل می‌شود. در درجه‌ی سوم باطل در آیه‌ی شریفه به کلیت و روشنی آن رها شده است. قرآن در این جا، به تعیین موارد و مصادیق نمی‌پردازد. در جای دیگر، اگر مواردی را تشریح می‌کند، به خاطر این است که بطلان آن‌ها در نزد عرف روشن نبوده یا مردم آن‌ها را باطل نمی‌پندارند. این خود بیانگر آن است که منظور از باطل، باطل عرفی است و فهم و تشخیص آن، به عرف مربوط می‌شود. بر همین اساس، فقها همواره به اطلاق آیه استناد کرده‌اند. اگر چیزی در شرع، مسلم باشد، دیگر جای بحث نیست؛ چه عرف آن را باطل بداند و چه نداند. فهم عرف، در صورتی کارساز است که شرع، نسبت به آن ساکت باشد. بین فهم عرف و فهم شرع از باطل، عموم و خصوص من وجه است. اموری را هر دو باطل می‌دانند؛ مثل: قمار، رشوه، غصب و... . مواردی را شرع باطل می‌داند، ولی عرف باطل نمی‌داند؛ مثل: ربا و... . همچنین مواردی را نیز عرف باطل می‌داند، ولی شرع نمی‌داند.

در منابع اسلامی، در بسیاری از موارد، تعبیر «اکل سحت»، مترادف با «اکل مال به باطل» به کار رفته است. بر اموری چون رشوه، قمار، غصب و نیز درآمدهایی که از طریق جادوگری، لهو و لعب و خرید و فروش اعیان نجسه؛ مانند: مردار، شراب و... به دست می‌آید، (اکل سحت) اطلاق شده است. گر چه واژه‌ی (سحت)، در اصل به معنای قطع کردن، بریدن و استیصال است و با مفهوم (باطل) تفاوت دارد، ولی از آن

جا که به کسب‌های حرام و اموالی که از راه‌های خلاف شرع و به شیوه‌های غیرعادلانه به دست آید (سحت) گفته شده و معنایی شبیه باطل دارد. در معنای سحت گفته‌اند: هر کسی که حلال نباشد، سحت است. سحت نیز، هم چون باطل، عمومیت دارد و هر نوع حرام‌خواری و درآمد نامشروع را شامل می‌شود؛ از این رو، می‌توان گفت سحت و باطل گر چه در ریشه لغوی تفاوت‌هایی دارند، ولی در بسیاری از جهات مشترک می‌باشند و موارد سحت، مشمول اصل (اکل مال به باطل) می‌شوند.

گفتنی است، نمی‌توان مصداق باطل را منحصر به مواردی نمود که فقها مصداق باطل دانسته‌اند؛ زیرا با دگرگونی شرایط، زمان و مکان و... امکان دارد شکل‌های دیگری از باطل، رخ نماید و مصادیق روشن دیگری پیدا بشود. در جهان امروز، تحولات عمیق و گسترده و تسخیر طبیعت و شناخت منافع بی‌شمار عناصر اربعه و دیگر پدیده‌ها، چنان دامنه‌ی بهره‌وری، آن هم بهره‌وری‌های حیاتی گسترش یافته، که کم‌تر چیزی را می‌توان یافت که منافع عقلایی و حلال، نداشته باشد؛ از این رو، در شناخت باطل و مصادیق آن، باید اصل زمان و مکان را در نظر داشت. با دقت در مسأله و نیز تتبع در مواردی که فقیهان بر حرمت و بطلان آن به آیات قرآن تمسک کرده‌اند، درمی‌یابیم که بطلان و حرمت درآمدی، به یکی از امور ذیل محقق می‌شود: نداشتن منفعت حلال و مالیت، تضييع حقوق دیگران، زیان‌آوری، فریبکاری و تحميق، فساد و فحشا، اجرت بر واجبات، لغو و لهو و مالی که از طریق تضعیف نظام اسلامی به دست آید.

رانت‌خواری از جمله محصولات زندگی اجتماعی مدرن بوده که مبتنی بر تفکیک وظایف، تخصصی شدن کارها و... است. شیوع رانت علاوه بر این که موجب تضييع حقوق دیگران و گسترش نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... می‌شود، موجب یأس و دل‌سردی مردم از نظامی می‌شود که بر اساس مبانی اسلامی استوار گردیده است و در نهایت تضعیف نظام اسلامی را به دنبال دارد؛ چرا که نظام ما مدعی است تنها نظامی است که بیش‌ترین انطباق را با احکام و مبانی اسلام دارد. تضعیف این نظام به تضعیف نظام اسلامی منجر می‌شود؛ از این رو رانت حرام و باطل است.

## ارکان رانت

ارکان رانت در مقررات کنونی توصیف کیفی نشده است. در تحلیل رانت بر عکس رویه‌ی متداول ابتدا به عناصر مادی و معنوی آن پرداخته، سپس به موقعیت قانونی آن خواهیم پرداخت.

### الف) رکن مادی

تخلفاتی که کارمندان دولتی به معنای اعم کلمه می‌توانند انجام بدهند، مختلف بوده و از لحاظ رکن مادی تفاوت‌های اساسی با هم دارند؛ از این رو به ندرت پیش می‌آید که یک رفتار مشمول عناوین متعدد مجرمانه قرار گیرد. چنان که گذشت رانت را به معنی تحصیل عمدی و یک جانبه‌ی هر نوع مزایای (مالی یا غیرمالی) از سوی کارمندان با سوء استفاده از موقعیت شغل و اختیارات خویش بر خلاف قانون یا حقوق دیگران از طریق افشای اطلاعات یا استفاده‌ی شخصی از آن، استخدام انتظامی، واگذاری امتیازات و مانند این‌ها، تعریف کردیم.

رانت از جمله پدیده‌هایی است که وصف و خصوصیت مرتکب در آن به عنوان یک کیفیت استوار شده، می‌تواند مطرح باشد. در متن قانون با اندک اختلاف، گروه‌هایی که به عنوان کارمندان دولتی مشمول مقررات جزایی هستند یا مستخدم دولت و یا در حکم مستخدم دولت هستند. بر این اساس مرتکب رانت به طور انحصاری کارمندان دولت نیستند.

با توجه به تصریح مواد ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری و ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی، کسانی که در هر یک از سازمان‌ها و ادارات مذکور در مواد، به کار و فعالیت اشتغال دارند، مستخدم دولت محسوب می‌شوند؛ اعم از این که رابطه‌ی استخدامی و کاری آن‌ها به صورت رسمی یا قراردادی باشد یا پیمانی، روزمزد و غیره؛ البته در این خصوص نوع سمت و عنوان و انتخابی بودن مستخدم تأثیری ندارد. در نتیجه اگر این افراد با سوء استفاده از موقعیت شغلی خویش مزایایی را کسب نمایند، نباید در تحقق رانت از سوی ایشان تردیدی را روا داشت. گفتنی است تحقق رانت در بخش خصوصی غیرممکن نیست و هم چنان که کارمندان بخش دولتی می‌توانند مرتکب آن شوند، کارمندان بخش خصوصی نیز می‌توانند، مرتکب آن شوند؛ بنابراین این نوشتار بیش‌تر در مورد بخش

دولتی متمرکز شده است. در صورت صدق هر کدام از عناوین یاد شده بر مرتکب، به عنوان یک کیفیت مضدده در خصوص وی لحاظ خواهد شد.

#### رفتار مجرمانه

رفتار مجرمانه در رانت «تحصیل مزایای مالی یا غیرمالی» است؛ از این رو، موضوع رانت فقط از طریق رفتار مثبت (فعل) محقق می‌شود. تحصیل به معنی به دست آوردن، صاحب شدن و کسب کردن است. تحصیل در این مقوله مفهوم عامی دارد که هم شامل به دست آوردن موقتی و هم به دست آوردن دایمی مزایا می‌شود. قانون‌گذار در مواردی، تحصیل مال را از سوی کارمندان در ارتباط با شغل خود تحت عناوینی خاص جرم انگاشته است.

مهم‌ترین وجه افتراق رانت با جرایم اختلاس، خیانت در امانت و استفاده یا مصرف غیرقانونی در مورد موضوع جرم است. موضوع جرم در رانت نه تنها شامل مزایای مالی (اموال منقول و غیرمنقول) می‌شود، بلکه علاوه بر آن شامل مزایای غیرمالی نیز می‌گردد. با توجه به این توضیحات ممکن است گفته شود که عناوین مجرمانه‌ی بالا مشمول عنوان رانت هم می‌شوند؛ از این رو، رانت با این عناوین تداخل دارد. در پاسخ باید گفت که در اختلاس، خیانت در امانت و استفاده‌ی قانونی مال، موضوع جرم می‌بایست به شخص سپرده شده باشد، در حالی که در رانت چنین مالی به طور مستقیم به شخص سپرده نشده است؛ بلکه آن چه به شخص سپرده شده است و به عنوان امانت نزد کارمندان تلقی می‌شود، موقعیت شغلی و جایگاه اداری اوست. از این زاویه اموال و مزایا نسبت به موقعیت شغلی و جایگاه اداری جنبه‌ی فرعی و تبعی دارد؛ از این رو تجاوز مأمور نسبت به وظایف اداری به ذات خود نوعی خیانت در امانت است و اگر نتیجه‌ی چنین خیانتی کسب مزایا برای شخص باشد، در این صورت رانت محسوب می‌شود. نسبت رانت به جرایم یاد شده‌ی خاص، مقدم و عام مؤخر است و بنا به نظر مشهور حقوق‌دانان در چنین مواردی به جای نسخ باید کوشید در حد امکان هر دو قاعده را با هم جمع نمود. در این مورد نیز می‌توان قواعد رانت را با اختلاس، استفاده‌ی غیرقانونی و خیانت در امانت جمع نمود؛ به این معنی که هر گاه مال موضوع جرم به شخص سپرده شده باشد و فرد در آن خیانت کند، موضوع حسب مورد مشمول اختلاس، استفاده‌ی غیرقانونی و خیانت در امانت

---

خواهد بود و در موردی که مال به طور مستقیم به شخص سپرده نشده باشد و با تجاوز فرد از وظایفش مصداق عینی آن مال مشخص شود، می‌توانیم موضوع را مشمول رانت بدانیم. در مورد مزایای غیرمال نیز باید گفت که عناوین مجرمانه‌ی فعلی چنین مزایایی را مشمول خود قرار نمی‌دهند؛ از این رو تداخل رانت با سایر عناوین مجرمانه منتفی است.

#### نتیجه‌ی مجرمانه

از لحاظ نتیجه‌ی رانت، شخص یا اشخاص حقیقی به طور مستقیم از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان نشده‌اند و در اصل این عمل مجرمانه باید موجب ضرر دولت شود؛ اما فقط ضرر مادی شرط نیست، بلکه همین اندازه که افراد جامعه به حاکمیت بدبین شده و اعتماد خود را به نظام از دست بدهند، می‌توان گفت که دولت متضرر شده است. بر این اساس نتیجه‌ی رانت ضرر مادی و معنوی دولت است.

#### شرایط و اوضاع و احوال خاص رانت

هر نوع تحصیل مزایا از سوی کارمندان را نمی‌توان رانت تلقی کرد. تحصیل آن دسته از مزایایی را می‌توان رانت دانست که نتیجه‌ی سوء استفاده از موقعیت شغلی باشد.

#### ب) عنصر معنوی

رانت از جمله جرایم عمدی است که لازم است مرتکب سوء نیت عام به معنی عمد در انجام دادن فعلی داشته باشد که در نتیجه‌ی آن مزایایی را برخلاف حقوق دیگران برای وی دربر خواهد داشت. از لحاظ سوء نیت خاص مرتکب، ضرورتی به وجود آن نیست و مرتکب عمل را با هر قصد که انجام داده باشد، مسئول است؛ حتی اگر قصد ایراد ضرر نداشته باشد، بلکه به قصد نفع رساندن به دولت مزایایی را در نتیجه‌ی سوء استفاده از موقعیت شغلی خود کسب کند، عمل او رانت خواهد بود.

#### موقعیت قانونی رانت

در حقوق کیفری کشورمان متن وضع شده‌ی قانونی که آشکارا رانت را با تعریفی که از آن ارائه کردیم، مورد توجه قرار دهد، وجود ندارد و مقنن در قبال آن سکوت کرده است. ماده‌ی ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصادیق تخلفات را برشمرده است. اصلی‌ترین رکن رانت در این ماده که سوء استفاده از موقعیت شغلی است، به

عنوان یک تخلف اداری مورد توجه قرار گرفته است؛ از این رو لازم است در ابتدا مفاهیم جرم و تخلفات اداری تعریف شوند تا مشخص شود موضوع رانت می‌بایست در حوزه‌ی تخلفات اداری باقی بماند یا این که جرم تلقی شود و اگر جرم است در زمره‌ی تعزیرات شرعی است یا مجازات بازدارنده؟

### ماهیت مجازات رانت

آیا مجازات رانت از باب تعزیر حکومتی (بازدارنده) است یا از جهت تعزیر شرعی امکان‌پذیر است. هم‌چنان که گزارش‌های تاریخی دلالت می‌کند، پدیده‌ی رانت در زمان پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) وجود داشته و همین گزارش‌ها سخت‌گیری‌ها و مجازات ایشان را نسبت به کارگزارانی که به هر نحوی از منصب خود سوء استفاده می‌کرده‌اند، تأیید می‌کند. از سوی دیگر رانت با مفسده‌ای که به همراه دارد موجب ترجیح بلامرجع برخی افراد بر دیگران می‌شود؛ بنابراین حقوق افراد جامعه تضییع می‌گردد. چنان که گذشت مبنای مجازات تعزیری صرفاً از جهت ارتکاب معصیت نیست، بلکه شامل رفتارهای مفسده‌آمیز نیز می‌شود؛ از این رو به نظر می‌رسد چنان چه قانون‌گذار در صدد واکنش کیفری به رانت برآید، می‌بایست آن را در قلمرو تعزیرات محسوب نماید.

### زبان‌ها و آثار مخرب رانت‌خواری

رانت‌خواری آثار مخرب اقتصادی و تبعیض‌های ناروا در پی دارد و موجب اتلاف وقت و بدبینی می‌شود؛ بین مردم فاصله می‌اندازد و مشکلات و تنش‌های سیاسی را تشدید می‌کند. یکی از عوامل رکود اقتصادی وجود این رانت‌هاست که انگیزه‌ی کارآفرینی، تولید واقعی و ارج گذاشتن به خلاقیت در جامعه را از بین می‌برد و حتی افراد با استعداد نیز برای این که از این قافله عقب نمانند، استعدادهایشان را به جای کمک به تولید در خدمت رانت قرار می‌دهند. در نتیجه با گذشت زمان، رانت به نوعی فرهنگ تبدیل می‌شود.

به طور خلاصه محورهای زیر را می‌توان از مهم‌ترین زبان‌های رانت‌خواری

برشمرد:

(۱) سرگرم شدن نیروی انسانی به کسب رانت و بازماندن از کار مولد؛

(۲) پایین آمدن انگیزه‌ی تولید؛



- 
- ۳) افزایش رشد بیکاری؛
  - ۴) گسترش دلالی؛
  - ۵) توقف رشد تکنولوژی در جامعه؛
  - ۶) کاهش بهره‌وری؛
  - ۷) افزایش تورم؛
  - ۸) حذف وجدان کاری؛
  - ۹) تضاد طبقاتی و دو قطبی شدن جامعه؛
  - ۱۰) فساد گسترده‌ی مالی؛
  - ۱۱) ناعادلانه شدن سیستم توزیع و تأمین منافع گروه خاص؛
  - ۱۲) خروج سرمایه به خارج؛
  - ۱۳) مصرف زیاد؛
  - ۱۴) ناامنی در بخش تولید؛
  - ۱۵) رشد فعالیت‌های ناسالم و گرایش سرمایه‌ها به بخش‌های خدماتی و واسطه‌گرایانه است.

باید دانست که مبارزه با فساد سیاسی و اداری و اقتصادی و به طور کلی مبارزه با رانت‌خواری به قاطعیت بدون ملاحظه‌کاری سیاسی نیاز دارد. تقویت قانون‌گرایی و مهم‌تر از آن تقویت نظام کنترل و اقتدار قضایی، در خشکاندن ریشه‌ها بسیار ضروری است. در غیر این صورت، رانت اقتصادی باعث تضعیف انگیزه‌ی تولید و کاهش درآمدها خواهد شد و با اشتغال افراد با استعداد به کسب رانت اقتصادی، پیشرفت و رشد تکنولوژی آسیب می‌بیند و بهره‌وری پایین می‌آید.

اگر در جامعه‌ای، حجم رانت زیاد شد سیستم اقتصادی دچار فروپاشی می‌شود؛ به عبارت دیگر رانت باعث می‌شود که ذهن‌های خلاق جامعه به دنبال سرمایه‌گذاری‌های عادی و تولید نروند و در نتیجه، بیکاری زیاد شده و سیستم توزیع درآمد نیز ناعادلانه می‌گردد؛ بدین معنا که برخی، درآمدهای هنگفتی که ناشی از کار نیست، به دست می‌آورند و این بی‌عدالتی و فساد، تمام سیستم‌ها را در سطح جامعه در هم می‌ریزد و افراد را ناراضی می‌سازد. این بحران‌های اقتصادی؛ یعنی بحران سرمایه‌گذاری تولید و بی‌عدالتی در توزیع درآمد به تدریج به حوزه‌های

اجتماعی کشیده می‌شود و کم‌کم تبدیل به بحران‌های اجتماعی خواهد شد. در این حال فساد سیاسی کلان در بالاترین سطوح دستگاه سیاسی رخ می‌دهد. منظور از این نوع فساد، معامله با افراد بلندپایه‌ای است که از سمت خود برای به دست آوردن رشوه‌های کلان از شرکت‌های ملی و بین‌المللی یا داوطلبان اجرای پروژه‌ها و انعقاد قراردادهای استفاده می‌کنند یا مبالغ هنگفتی از خزانه‌ی عمومی به نفع خود، اختلاس کرده و به حساب بانکی خویش واریز می‌کنند. به تدریج فساد اداری در دستگاه دولتی در انتهای طیف اجرایی سیاست اتفاق می‌افتد که به آن فساد مالی سطح پایین می‌گویند و این همان است که هر روز در مراکز مختلف؛ مانند: بیمارستان‌ها، ادارات، گمرک‌ها، پلیس، مدارس و... اتفاقات ناخوشایندی رخ می‌دهد و این ادارات آفت‌زده، توان ایفای نقش و مسئولیت خود را از دست می‌دهند و نمی‌توانند جواب‌گوی مراجعه‌کنندگان و جلب رضایت آنان باشند و به تدریج چالش جدی بین آحاد جامعه و دولت‌مردان به وجود می‌آید.

وجود فساد در ادارات را می‌توان به چند صورت تصور کرد: اول وجود فساد در ساختار اداری و تشکیلاتی سازمان؛ دوم وجود فساد در بین رهبران، مدیران و مجریان اصلی ادارات و سوم وجود فساد اداری بین کارمندان رده‌های پایین. هر چه این فسادها عمق بیشتری داشته باشند، تأثیر بیشتری بر ناامنی اقتصادی و اجتماعی دارند؛ زیرا در تأمین نظم ناکارآمد خواهند بود و زمینه‌های فساد، بی‌اعتمادی و قانون‌گریزی را فراهم می‌آورند؛ البته گسترش چنین فسادهای اداری علاوه بر آثار اجتماعی ممکن است پیامدهای فردی نامناسبی؛ مانند: خدشه‌دار شدن امنیت شغلی، بروز ناهنجاری‌های روحی و روانی، پایین آمدن انگیزه‌ی کار و مقدم داشتن منافع فردی بر منافع سازمانی، ایجاد جو بی‌اعتمادی و... را نیز به همراه داشته باشد.

### نتیجه‌گیری و ارائه‌ی پیشنهاد

رانت یکی از مصادیق فساد است که در کم‌ترین آسیب خود موجب حذف شایستگان، گسترش بی‌عدالتی، سرخوردگی عده‌ای و کسب جاه و جلال به ناحق برای عده‌ای دیگر می‌شود. مقابله با رانت و فساد با چالش‌های سنگین حقوقی و غیرحقوقی مختلفی مواجه است و اقدامات قانونی صرفاً حکم ابزار را در مبارزه علیه

---

رانت دارد. به منظور مقابله با پدیده‌ی رانت معدود قوانینی در کشور وجود دارد که غالباً رویکردی بازدارنده دارد؛ ضمن این که دارای برخی نواقص از حیث قلمرو شمول افراد می‌باشند.

گفتنی است که مقنن در خصوص کارمندان دولتی در یک مورد، دریافت مزایا را به صرف نقشی که در معاملات دارند، با چشم‌پوشی از نتیجه‌ای که این نقش برای دولت دربر دارد، جرم انگاشته است. توجیه اصلی جرم‌انگاری در چنین موردی را می‌توان عدول مأمور از حدود وظایف تعیین شده و نیز تحصیل مال بدون هیچ محمل شرعی (حرام‌خواری) دانست. به نظر می‌رسد بهتر است مقنن با وضع قاعده‌ای عام و فراگیر، هر نوع تحصیل مزایایی را که با سوء استفاده از موقعیت شغلی و بر خلاف حقوق دیگران باشد، جرم بینگارد. هم چنین به نظر می‌رسد، ارگان‌های متولی بایست ضمن تبیین ابعاد گوناگون رانت در سطح جامعه نسبت به شناسایی و جلوگیری از اشاعه‌ی آن در سطح سازمان‌ها و نهادها، به ویژه نهادهای دولتی اقدام نمایند. هم چنین دستگاه قضا بایست ضمن شناسایی زمینه‌های بروز سوء استفاده‌های احتمالی از انواع رانت‌ها، نسبت به مجازات متخلفان این حوزه اقدام مقتدرانه انجام دهد.

## منابع

- ابریشمی، حمید؛ هادیان، محمد، رانت‌جویی و رشد اقتصادی، مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، ۶۷، ۱۳۸۳.
- ازغندی، علی‌رضا، ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶.
- آقایی، محمدعلی، شرح مختصر اصطلاحات فقهی به ضمیمه‌ی چهل و سه قاعده از قواعد فقه و حقوق، لیتوگرافی اهل بیت (ع)، ۱۳۸۰.

- خضری، محمد؛ رنانی، محسن، رانت‌جویی و هزینه‌های اجتماعی آن، مجله‌ی نامه‌ی مفید، ش ۴۵، آذر و دی ۱۳۸۳.
- طباطبایی، محمدحسن، المیزان، بیروت، مؤسسه اعلی للمطبوعات، ۱۹۹۱.
- یوسفی‌نژاد، علی، رانت و فساد مالی در اقتصاد ایران، مجله‌ی دانشکده‌ی علوم انسانی، ش ۶۴، ۱۳۱۵.

**Abstract:**

Bribery is one of the most dangerous current issues of our society whose least damage is removing the elites and providing opportunities for those in power. It has various destructive consequences and discriminations which bring about waste of time and pessimism. It takes people away from each other and deteriorates the political tensions. Its least consequence is creating inequality throughout society. In other words, creating a kind of monopoly, bribery prevents a part of society from playing an active role in society. In the present research, various aspects of bribery and its consequences have been investigated.

**Keywords:** bribe, social justice, acquiring benefits, corruption